

ماتو در باره شكل هاى گوناگون بوركراسى سخن مى گويد

12 فوریه 1970

- 1 - آنها شناخت بسیار کمی نسبت به مسائل در سطح عالی دارند؛ آنها عقیده توده ها را نمی فهمند؛ آنها مطالعه و تحقیق نمی کنند؛ آنها سیاست های مشخص را درک نمی کنند؛ آنها فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی را رهبری نمی کنند؛ آنها از واقعیت جدا هستند؛ از توده ها جدا هستند؛ از رهبری حزب جدا هستند؛ آنها همواره دستور صادر می کنند و دستور اتشان غالباً اشتباه است؛ آنها بدون شك کشور و خلق را به گمراهی می کشانند؛ در نهایت آنها مانع پیوستگی استوار به خط و سیاستهای حزب می شوند؛ آنها توان مواجهه با مردم را ندارند.
- 2 - آنها مغرور و از خود راضی هستند و بی هدف به بحث سیاسی می پردازند؛ آنها کار خود را درک نمی کنند؛ آنها ذهنی گرا و یکجانبه نگر هستند؛ آنها بی توجه، بی فکر، ولنگارند؛ آنها به حرفهای مردم گوش نمی دهند؛ آنها خودرای و مستبد هستند؛ آنها دستورات را تحمیل می کنند؛ آنهاکاری به کار واقعیت ندارند؛ آنها کنترل کور را اعمال می کنند. این بورکراسی آمرانه است.
- 3 - آنها از صبح تا شب سرشان خیلی شلوغ است؛ آنها سرتاسر سال را کار می کنند؛ آنها مردم را نمی آزمایند و امور را واری نمی کنند؛ آنها سیاست ها را مطالعه نمی کنند؛ آنها به توده ها اتکا ندارند؛ آنها برای اظهاراتشان تدارک نمی بینند؛ آنها برای کار خود نقشه ای ندارند. این بورکراسی بی فکر و گمراه است و به کلام دیگر این روتینیسم است.
- 4 - رفتار بورکراتیک آنها بی اندازه است؛ آنها نمی توانند هیچ جهتی اتخاذ کنند؛ آنها خود خواه هستند؛ آنها به خود نمائی می پردازند تا راه خود را هموار کنند؛ آنها کاری می کنند که مردم با نگاه کردن به آنها مرعوب شوند؛ آنها مداوما هر گونه توهینی علیه مردم روا می دارند؛ سبک کار آنها ناهنجار است؛ آنها بین مردم تبعیض قائل می شوند. این بورکراسی آقامنشانه است.
- 5 - آنها نادان هستند؛ آنها از پرسیدن هر چیز خجالت می کشند؛ آنها اغراق می کنند و دروغ می گویند؛ آنها خیلی تقلبی هستند؛ آنها خطاها را به مردم نسبت می دهند؛ آنها خود را لایق می دانند؛ آنها حکومت مرکزی را فریب می دهند؛ آنها بالاتر از خود را فریب می دهند و پائینتر از خود را تحمیل می کنند؛ آنها خطاها را می پوشانند و اشتباهات را ماستمالی می کنند. این بورکراسی ناصادقانه است.
- 6 - آنها سیاست ها را درک نمی کنند؛ آنها کار خود را انجام نمی دهند؛ آنها امور را به دیگران محول می کنند؛ آنها به مسئولیتهای خود پاسخ نمی گویند؛ آنها نق می زنند؛ آنها مسائل را از سر باز می کنند؛ آنها غیر حساس هستند؛ آنها حس هشپاری خود را از دست داده اند. این بورکراسی غیر مسئولانه است.
- 7 - آنها نسبت به مسائل سهل انگارند؛ آنها به بهترین نحو ممکن زندگی می کنند؛ آنها هیچ کاری به کار مردم ندارند؛ آنها همیشه مرتکب اشتباه می شوند؛ آنها خود را برای بالاتر از خود محترم جلوه می دهند و به چشم پائین تر از خود بیکاره می آیند؛ آنها هوای احترام گذاردن های خود را دارند (یعنی حسابگر هستند - م)؛ آنها هفت خط و مارتوله هستند. این بورکراسی کسانی است که جزء مقامات هستند و زورکی دست و دلشان بکار می رود.
- 8 - آنها سیاست را کاملاً یاد نمی گیرند؛ آنها در کار خود پیشرفت نمی کنند؛ شیوه سخنرانی های آنها بیروح است؛ آنها هنگام رهبری کردن هیچ جهتی ندارند؛ آنها در دفتر کار خود در انجام وظایف اهمال می کنند ولی حقوقشان را می گیرند؛ آنها با هدف خود نمائی به رنگ و لعاب زدن امور می پردازند. ارباب منشانه هیچ کاری را خود آغاز نمی کنند و عمدتاً بر مسند بیکارگی خود لمیده اند؛ آنان که بشدت کار می کنند و با استعدادند و مانند مقامات عمل نمی کنند از سوی اینان بدیده حقارت نگریسته می شوند. اینست بوروکراسی دغلكار بی استعداد.
- 9 - آنها احمق هستند؛ آنها گیج سرند؛ ذهن آنها مال خودشان نیست؛ آنها خوشگذران هایی درب و داغان هستند؛ آنها تمام مدت، خود را بحداکثر باد می کنند؛ آنها اصلاً پشتکار ندارند؛ آنهادممی مزاج و نادانند. این بورکراسی احمقانه بی مصرف است.
- 10 - آنها از دیگران می خواهند که مدارک را مطالعه کنند؛ دیگران مطالعه می کنند و آنها می خوابند؛ آنها بدون نگاه کردن به امور به انتقاد می پردازند؛ آنها از خطاها انتقاد می کنند و از مردم عیب جویی؛ ولی خودشان هیچ نقشی در هیچ خطایی ندارند؛ آنها در مورد امور بحث نمی کنند؛ آنها مسائل را به کناری می نهند و آنها را نادیده می گیرند؛ آنها در برخورد به بالاتر از خود همیشه آری می گویند؛ آنها وانمود می کنند که بالاتر از خود را درک می کنند در حالیکه درک نکرده اند؛ آنها با ایما و اشاره حرف می زنند؛ آنها با هم سطح خود همیشه ابراز عدم توافق می کنند. این بورکراسی تنبل است.
- 11 - دفاتر دولتی بزرگتر بزرگتر می شوند؛ امور مغشوش تر می گردد؛ تعداد افراد بیشتر از میزان کارهایی است که باید انجام شود؛ آنها در محافل گرد می آیند؛ به نزاع و جدل بیهوده می پردازند؛ آنها تمایلی به انجام کار های فوق برنامه ندارند؛ آنها وظایف مشخص خود را بطور کامل انجام نمی دهند. این بورکراسی در دفاتر دولتی است.
- 12 - مدارک بشمارند؛ نوار سرخ وجود دارد (یعنی مرتباً حرفهای سرخ زده می شود - م)؛ امور آموزشی گسترش پیدا کرده است؛ گزارشهای خواننده نشده بشمار می رود وجود دارد که مورد بررسی و نقد قرار نگرفته اند؛ بسیاری از

- برنامه ها و طرحها ترسیم شده اند و بکار بسته نشده اند؛ متینگ ها بشمارند و هیچ چیز از آنها در نمی آید؛ انجمن های در بسته بسیاری وجود دارد، اما هیچ چیز آموخته نمی شود. این بورکراسی نوار سرخ و فرمالیسم است.
- 13 - آنها طالب خوشی هستند و از سختی ها هراسان؛ آنها به معاملات پشت پرده مشغولند؛ یک نفر به مقامی دست می یابد و همه خانواده اش منتفع می شوند؛ یک نفر به خدا متصل می شود و همه بستگان نزدیکش به بهشت می روند؛ میهمانی ها و هدایا رواج دارد..... این بورکراسی از ما بهتران است.
- 14 - هر چه به مقام بالاتری دست پیدا کند خلق و خوی بدتری می یابد؛ مطالباتش برای منافع خویش بیشتر و بیشتر می شود؛ خانه و اثاثیه اش لوکس تر و لوکس تر می شود؛ بیشتر و بیشتر به وسایل مادی زندگی دست پیدا می کند؛ قشر فوقانی سهم بیشتری بخود اختصاص می دهد درحالیکه قشر تحتانی قیمت های بالاتری نصیبش می شود؛ اسراف و ریخت و پاش وجود دارد؛ چپ و راست و بالا و پائین همه بدنبال بدست آوردن چیزی هستند. این است بورکراسی فضای اداری.
- 15 - آنها خود خواهند؛ آنها اهداف شخصی خود را با ابزار عمومی تامین می کنند؛ اختلاس و کلاهبرداری وجود دارد؛ هر چه بیشتر بالا می کشند حریص تر می شوند؛ آنها هرگز کوتاه نمی آیند و از اینکار دست نمی کشند. این است بورکراسی خودخواهانه.
- 16 - آنها در بین خود بر سر پول و قدرت دعوا دارند؛ آنها درون حزب موقعیت خود را گسترش می دهند؛ آنها در پی شهرت و اقبال هستند؛ آنها بدنبال مواضع می گردند و تا وقتی که به آن دست نیابند راضی نیستند؛ آنها تصمیم گرفته اند چاق و تن آسا باشند؛ آنها توجه زیادی به دستمزد معطوف می دارند؛ آنها بدنبال راحتی رفقای خود هستند اما نسبت به موقعیت توده ها بی توجهند. این است آن بورکراسی که برای پول و مقام جنگ می کند.
- 17 - رهبری جمعی نمی تواند بطور همگون متحد شود؛ آنها هر یک برای خود می روند؛ هر چه و مرج بر کارهایشان حکمفرماست؛ آنها هر یک تلاش می کنند دیگری را به بیرون هل دهند؛ بالا از پائین جداست و تمرکز وجود ندارد؛ هیچ نوع دمکراسی هم وجود ندارد. این است بورکراسی نامتحد.
- 18 - سازماندهی وجود ندارد؛ دوستان شخصی خود را استخدام می کنند؛ درگیر فراکسیونیسیم هستند؛ روابط فئودالی را حفظ می کنند؛ آنها برای پیشبرد منافع شخصی خود تشکیل باند می دهند؛ آنها از یکدیگر حمایت می کنند؛ اهداف شخصی بالای همه چیز قرار دارد؛ این مقامات حقیر توده ها را آزار می دهند. این است بورکراسی فرقه ای.
- 19 - خواست انقلابی در آنان ضعیف است؛ سیاست هایشان مسخ شده و تغییر خصلت داده است؛ آنها ادای کسانی را در می آورند که در حد عالی تعلیم یافته اند؛ آنها جو آقا بالاسر را دامن می زنند؛ آنها مغز و دست خود را بکار نمی گیرند؛ آنها تمام روز بحد کافی می خورند؛ آنها بر راحتی از کار های دشوار اجتناب می کنند؛ آنها وقتی مریض نیستند طلب دکتر می کنند؛ آنها به کوه و دریا به تفریح می روند؛ آنها کارها را سرسری انجام می دهند؛ آنها نگران منافع شخصی خود هستند؛ اما هیچ نگرانی نسبت به منافع عمومی ندارند. این است بورکراسی مسخ شده.
- 20 - آنها گرایشات انحرافی و یک روحیه ارتجاعی را تقویت می کنند؛ آنها به افرادی که مرتکب کار های بد می شوند، برخورد نمی کنند و شرایط بد برایشان قابل تحمل است؛ آنها درگیر اعمال تبهکارانه و تخلف از قانون هستند؛ آنها مشغول کلاهبرداری اند؛ آنها تهدیدی نسبت به حزب و دولت بحساب می آیند؛ آنها دمکراسی را سرکوب می کنند؛ آنها می جنگند و انتقام جوئی می کنند؛ آنها قوانین و مقررات را زیر پا می گذارند؛ آنها از امور بد حمایت می کنند؛ آنها فرقی میان دشمن و خودی قائل نیستند. این است بورکراسی گرایشات انحرافی و ارتجاعی.
- [این بارزترین جنبه رمانتیسیسم می باشد، که تضاد منافع را، که در نظام اقتصاد ملی ریشه های عمیق دارد (، بمثابه تضاد یا اشتباه یک آموزه، یک سیستم و حتی برخی اقدامات و غیره تلقی کند. در اینجا دیدگاه محدود خرده بورژوا، که خود در وراء تضادهای تکامل یافته قرار داشته و موقعی میانی و گذرا بین دو قطب مخالف اشغال می کند، با نوعی ایده آلیسم ساده لوحانه، ما حتی کم مانده بگوئیم، با یک نوع بوروکراتیسم، که می خواهد نظام اجتماعی را بر مبنای نظریه انسانها) بویژه قدرتمندان (توضیح دهد و نه بالعکس، جفت می شود) [لنین - در خصلت نمائی رمانتیسیسم اقتصادی]
- [بورکراتیسم را میتوان در زبان روسی به) انتصاب اشخاص به مشاغل دولتی از روی شهرت و معروفیت خانوادگی و درجه اهمیت مشاغلی که اسلاف بدان اشتغال داشته اند (ترجمه کرد. بورکراتیسم یعنی تابع نمودن منافع کار بر منافع جاه، عطف توجه فوق العاده به کرسی و مسند و نادیده گرفتن کار، کنوپتاسیون بازی بجای مبارزه در راه ایده ها. چنین بورکراتیسمی، واقعا و بدون شک برای حزب نامطلوب و زیانبخش است) [لنین - یک گام به پیش، دو گام به پس]